

در حرم

همزمان با ایام فاطمیه، افشین علا بر مزار رهبر شهید در حرم مطهر رضوی شعرخوانی کرد

گودال قتلگاه تو را نازم

افشین علا، شاعر و نویسنده، همزمان با ایام فاطمیه با حضور بر مزار رهبر شهید، دو سروده در سوگ حضرت فاطمه زهرا(س) و رهبر شهید قرائت کرد. او در حاشیه این برنامه، شهادت رهبر شهید را بزرگ‌ترین مصیبت زندگی خود دانست و از دغدغه‌های فرهنگی و ادبی ایشان گفت.

■ **شهادت رهبر شهید؛ بزرگ‌ترین مصیبت زندگی من**

به گزارش آستان‌نبوز، افشین علا در حاشیه این برنامه گفت: شاعران و اهالی فرهنگ همواره مورد توجه و عنایت ایشان بودند و به همین دلیل پس از شهادت ایشان بیش از دیگران احساس غربت و یتیمی می‌کنند.

این شاعر و نویسنده با اشاره به نگاه فرهنگی رهبر شهید تصریح کرد: ایشان برخلاف برخوردهای نمایشی و تشریفاتی، دغدغه جدی فرهنگ را داشتند. همان‌گونه که در جبهه دفاعی و نظامی، جمهوری اسلامی ایران را به جایگاه قدرتمند منطقه‌ای و جهانی رساندند، در جبهه فرهنگی نیز فرماندهی تمام‌عیار و حکیمی واقعی بودند.

علا با تأکید بر توجه رهبر شهید به زبان و ادبیات فارسی گفت: ایشان بر صیانت از زبان فارسی تأکید داشته و بر ادبیات کهن و نوین فارسی اشرافی کم‌نظیر داشتند.

وی خاطرنشان کرد: یکی از رازهای ماندگاری ملت ایران در طول تاریخ با وجود همه توطئه‌ها، حمله‌ها، ویرانی‌ها و ستم‌ها، زبان شیرین فارسی و ادبیات این سرزمین است؛ موضوعی که رهبر شهید به خوبی به آن واقف بودند و به همین دلیل، با شاعران و اهل قلم با تواضع و محبت برخورد می‌کردند.

این شاعر و نویسنده با اشاره به واکنش شاعران به شهادت رهبر شهید گفت: پس از این حادثه، جمع گسترده‌ای از شاعران متعهد، سوگ‌سروده‌هایی در رثای ایشان سرودند؛ آثاری که در کنار سوگ‌حماسه، شادی و افتخار را نیز در خود دارند. به گفته او، در تاریخ ادبیات انقلاب، پس از شهادت آقا، شعرهایی که شاعران سرودند رکوردی بی‌نظیر بود. علا در پایان گفت: امیدوارم این سروده‌ها با گذشت زمان ماندگار شوند و به نسل‌های آینده برسند.

افشین علا ظهر چهارم آبان‌ماه با حضور در دارالذکر، شعر خود با مطلع «مرا به خانه زهرای مهربان ببرید» را در وصف غربت و مظلومیت حضرت زهرا(س) قرائت کرد.این سروده با اشاره به مزار بی‌نشان آن حضرت، چنین آغاز می‌شود:

مرا به خانه زهرای مهربان ببرید

به خاک بوسی آن قبر بی‌نشان ببرید

اگر نشانی شهر مدینه را بلیدید

کبوتر دل ما را به آشیان ببرید

کجاست آن درِ آتش گرفته تا که مرا

برای جامه دریدن به‌سوی آن ببرید

مرا اگر شدم از دست برنگردانید

به روی دست بگیرید و بی‌امان ببرید

کجاست آن جگر شرحه شرحه تا که مرا

به‌سوی سنگ مزارش کشان کشان ببرید

مرا که مهر بقیع است در دلم، چه شود؟

اگر به‌جانب آن چار کهکشان ببرید

نه اشتیاق به گل دارم و نه میل بهار

مرا به غربت آن هجده خزان ببرید

کسی صدای مرا در زمین نمی‌شنود

فرشته‌ها! سخنم را به آسمان ببرید...

این شاعر و نویسنده در ادامه، سروده‌ای در رثای رهبر شهید خواند که با عنوان «از بوریا به عرش» آغاز می‌شود:

رخساره چو ماه تو را نازم

آرامش نگاه تو را نازم

بر تارک سپیده پیشانی‌ات

عمامه سیاه تو را نازم

در قاب آسمانی آن عینک

چشمان خیرخواه تو را نازم

هم خنده همیشگی شیرین

هم بغض گاه‌گاه تو را نازم

عمری اگرچه خون‌جگر خوردی

آنتشفشان آه تو را نازم

بعد از تو شد زمین‌وزمان، مبعوث

انبوهی سپاه تو را نازم

ای بوریا نشین فلک‌پیما

در عرش، فرش راه تو را نازم

آن خانه محقر ویرانه

بی حصن و جان‌پناه تو را نازم

با دخترت به فاطمه زهرا

ملحق شدی، گواه تو را نازم

آورد‌های نواده به قربانگاه

آهوی بی‌گناه تو را نازم

ای جان‌نثار خفته کشوردوست

گودال قتلگاه تو را نازم

بازخوانی راهبردی پیام هدایت‌گرانه رهبر معظم انقلاب خطاب به نخبگان

نخبگی؛ امتیازی تعالی‌بخش در مسیر سربلندی میهن

خصوص چنین است: «نخبه شخصی نیست که به صرف دارا بودن استعداد و هوش قابل توجه همچون تافته‌ای جدا بافته تنها به امیال زودگذر و شخصی فکر کند؛ نخبه آن شخصی است که دغدغه رشد استعدادش را دارد و خود را یک عنصر مؤثر در جامعه تعریف می‌کند و از استعداد و ظرفیتش برای رشد خود و جامعه‌اش به‌صورت توأمان استفاده می‌نماید...». در این محور، نخبگی از ساحت یک برتری انتزاعی به میدان اقدام راه یافته و به تعبیر رهبر معظم به «شکر عملی» و مسئولیت اجتماعی فراخوانده می‌شود. نخبه بومی و متعهد، هوش خداداد را ابزاری برای رفاه‌طلبی شخصی یا استغفای روحی از جامعه نمی‌داند، بلکه ارزش دانش را در آزمون دشوار حل چالش‌های زیست‌بوم خود معنا می‌کند. برشمردن دستاوردهای راهبردی از پزشکی رویان تا آب‌شیرین‌کن‌ها، ماهواره‌ها و امنیت غذایی، نشان می‌دهد نخبگی حقیقی در متن جامعه تجلی پیدا می‌کند و نتیجه پیوند زدن پژوهش‌های نظری با دردهای عینی و ساختارهای زیربنایی ایران عزیز است.

■ **فراراهبرد «أَلِیْمُ سلطان»؛ نقشه راه جامع جهش علمی و مرجعیت نوین**

محور پایانی و غایی، در فلسفه و چرایی کینه‌توزی استکبار جهانی علیه نخبگان ایرانی و تبیین نقشه جامع علمی برای عبور از گلوگاه‌ها و رسیدن به مرجعیت تمدنی است. بیانات رهبر معظم با ترسیم الزامات پنج‌گانه، مسیر آینده را این‌گونه هدایت و روشن می‌فرماید:

«ایران قوی بر پایه اقتدار علمی و فناوری استوار است و این محور، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نقش‌آفرینی ایران در معادلات و نظم جدید جهانی است. پس کلید هرچه قوی‌تر شدن آن، مرزشکنی و راه‌حل‌گشایی نخبگان در مسائل علمی کشور است». این فراز اوج نگاه تمدن‌سازانه و آینده‌پژوهانه است. جنگ‌های اخیر، ماهیت ترور و تخریب نخبگان را آشکار کرد و نشان داد سلطه‌گران بیش از هر چیز، از استقلال فکری و شکستن انحصار علمی توسط ایران در هراس‌اند. پاسخ راهبردی به این ترور بیسم علمی و توطئه ناامیدسازی، نه توقف، بلکه تسریع خیزش علمی با تکیه بر پنج گام عملیاتی است.

این پنج گام، نقشه راهی برای تک تک آحاد ملت ایران با پشتوانه علمی و فرهنگی چندهزار ساله است؛ مردمی که با باورهای دینی خود در زیر سایه امام رثوف(ع) با پشتکار و مقاومت، نام ایران اسلامی را برای آیندگان به خوبی حفظ خواهند کرد. این پنج محور را می‌توان در این چند گزاره خلاصه کرد:

- بازگشت به زیربناهای اصیل دانشی با اولویت‌بخشی به علوم پایه و علوم انسانی.**
- عبور از دانش مصرفی و جسارت مرزشکنی در مجهولات و مسائل حل‌نشده جهانی.**
- شکوفاسازی تخیل علمی و نوآوری با شجاعت پیمودن راه‌های نرفته.**
- تقویت ساخت درونی و استقلال زیرساختی جهت کنشگری اثرگذار فرارمزمینی.**
- تحقق هم‌افزایی کامل میان دانشگاه و صنعت از مسیر اقتصاد دانش‌بنیان و انتقال دانش به عرصه سیاست‌گذاری.**
- این زنجیره معرفتی و عملیاتی، تضمین‌کننده تحقق فراراهبرد اصیل «الِیْمُ سلطان» و تبدیل دوباره زبان و تمدن ایرانی به یکی از مراجع اصلی تولید علم در جهان معاصر است.



یادداشت

دکتر علی‌الله‌خراسانی پژوهشگر حوزه و دانشگاه

از مواضع پایداری تمدنی است و این وظیفه خطیر، شالوده هدایت‌های داهیهانه‌ای است که در این بیانات به دقیق‌ترین شکل ترسیم شده است. در ادامه مروری بر این محتوای بی‌همتا به عنوان چراغ راه آحاد ملت ایران داریم.
با توجه به آغاز پیام رهبر معظم انقلاب در رثای دخت پیامبر(س) و تسلیت ایام فاطمیه باید اذعان کرد یکی از جلوه‌های درخشان و راه‌گشای فرهنگ فاطمی، ارائه نقشه‌راه برای حرکت‌های بزرگ اجتماعی است؛ فرهنگی که حضور آگاهانه در میدان‌های مبارزه و جهاد، مشارکت در حرکت‌های مردمی، تلاش برای اعتلای جامعه و حتی اراده معطوف به پیشرفت در عرصه‌های علمی را با خدمتگزاری متواضعانه و بی‌منت پیوند می‌زند. از این منظر، جامعه فاطمی صرفاً یادآور مجموعه‌ای از فضائل فردی نیست، بلکه می‌تواند الهام‌بخش الگویی تمدنی برای جامعه‌ای باشد که در آن، ایمان، معرفت، مسئولیت اجتماعی، پیشرفت و خدمت به مردم در امتداد یکدیگر قرار می‌گیرند.

■ **بخش نخست: توسعه افق نخبگی؛ از استعداد فردی تا بصیرت و جهاد تمدنی**

در پیام رهبر معظم انقلاب، بازتعریف مفهوم نخبگی و عبور دادن آن از مرزهای محدود سنتی مدنظر قرار می‌گیرد؛ اینکه نخبگی نه یک انحصار صنفی، بلکه هر نوع ممتاز بودن تعالی‌بخش در مسیر سربلندی میهن است. متن شریف بیانات در این فراز چنین تصریح می‌کند: «ایران عزیز ما در این مقطع زمانی، بیشتر مظهر اراده و امید است و نقش نخبگان و جوانان با استعداد و توانمند ایرانی در این امید و پیشرفت و قدم نهادن در

■ **مسئولیت تاریخی مسلمانان وقاعده سترگ «الإسلام یعلو ولایعلی علیه»**

یکی از ارکان کلیدی در معارف اسلامی، قاعده نورانی و منقول از پیامبر اعظم(ص) است که می‌فرماید: «اَلْإِسْلَامُ یَعْلُو وَلَا یُعَلٰی عَلَیْهِ» اسلام [همواره] بالاست و هیچ چیز بر آن برتری نمی‌یابد.» (من لا یحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه ۳۳۴) این گزاره منقول از رسول خاتم(ص) در کتب معتبر حدیثی ازجمله آثار شیخ صدوق(ره)، اگرچه در قالب یک جمله خبری صادر شده، اما در حقیقت پیام و تکلیفی راهبردی را بر دوش امت اسلامی می‌گذارد. بدین معنا که آیین حق به ذات خود در بالاترین مرتبه قرار دارد، اما این وظیفه خطیر مسلمانان است که نگذارند ساحت دین دچار انفعال، افول و تنزل شود. در کنار این اصل، قاعده قرآنی «نفی سبیل» نیز مؤید همین حقیقت است که خداوند متعال هیچ‌گونه راه سلطه و نفوذی برای بیگانگان بر پیکره جامعه ایمانی مقرر نفرموده است؛ چنان‌که در کلام الهی آمده است: «وَلَنْ یَّجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِینَ عَلَى الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا؛ و خداوند هرگز برای کافران راه نفوذ و سلطه‌ای بر مؤمنان قرار نداده است.» (سوره نساء، آیه ۱۴)

بنابراین، اگر در دوره‌هایی از تاریخ، سلطه، انفعال یا عقب‌ماندگی در جهان اسلام مشاهده شده است، ریشه در کوتاهی‌ها و غفلت مسلمانان از تکالیف و لوازم عزت خود داشته است. در طول تاریخ تشیع و اسلام ناب، نهضت‌های اصلی همچون فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی یا مخالفت قاطع امام راحل با لایحه استعماری کاپیتولاسیون، مصادیق بارزی از پاسداشت این قاعده الهی و ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی بیگانگان بوده‌اند.

■ **ضرورت دستیابی به قدرت همه‌جانبه و استطاعت دفاعی علمی**

با توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب در پیام ارزشمندشان بر بحث اقدام و عمل، باید گفت برای تحقق عینی درجات بالای تمدن ایران اسلامی در عصر حاضر و حفظ آن در برابر توطئه‌های دشمنان، فقط شعار کفایت نمی‌کند؛ بلکه امت اسلامی باید مقدمات و لوازم این اقتدار را در پوسته جامعه محقق کند. فرمان الهی در قرآن کریم بر همین حقیقت تأکید دارد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ و هر چه در توان دارید از نیرو [و ابزار بازدارنده] برای مقابله با آنان آماده کنید.» (سوره انفال، آیه ۶)

همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده‌اند: «أَلِیْمُ سُلْطَانٌ» یعنی علم مایه سلطنت و اقتدار است. جهان اسلام برای رهایی از انفعال دوره‌های افول تاریخی‌اش که گاه موجب قیاس‌های انحرافی برخی مصلحان پیشین (همچون برداشت‌های نادرست از سفر به غرب و شرق) می‌شد؛ نیازمند تحولی ژرف است. برپایه بیانات رهبر معظم انقلاب، حفظ این اقتدار پایدار در گرو تقویت همه‌جانبه کشور در ابعاد علمی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی است. در این میان، پیشرفت‌های ظاهری و عاریتی برخی کشورهای منطقه که فاقد ریشه‌های درون‌زا و علم‌پایه هستند، حرکتی پایدار به شمار نمی‌روند؛ چرا که بالندگی حقیقی تنها بر دوش «علوم پایه» و «علوم انسانی عمیق و متکی بر نخبگان داخلی» استوار می‌شود.

■ **ضرورت قوی‌شدن و نقش‌آفرینی نخبگان در حکمرانی**

در دنیای پرالتهاب کنونی که طرح‌های کلان قدرت‌های

سلطه‌گر همچون برنامه‌های درازمدت ایالات متحده بقای هویت ملت‌ها را به چالش کشیده است، جامعه اسلامی چاره‌ای جز قوی شدن ندارد؛ چرا که در دنیای امروز، حد وسطی وجود ندارد و یا باید با تکیه بر قدرت علمی و فناوریانه پایدار ماند و یا در چرخه فنا و نابودی محو شد. همان‌گونه که تجارب دفاعی و دستاوردهای علمی در صنایع موشکی، فیزیک و ریاضیات نشان داد حضور مردمی بدون پشتوانه و اقتدار علمی با زحمت و خسارت همراه خواهد بود. در این راستا، رهبر معظم انقلاب در پیام پرمحتوای خود درخصوص نخبگان، ابعاد کلیدی این خیزش علمی را ترسیم فرموده‌اند. مواردی چون تمرکز بر کشف حقایق کشف‌نشده و مرزشکنی و عبور از مرزهای شناخته‌شده دانش و فتح قله‌های علمی جدید در عرصه‌های نظری و تجربی، خلاقیت و نوآوری مستمر با ایجاد پویایی و نوآوری در حل مسائل بنیادین کشور، خوداتکایی و اعتماد به ظرفیت‌های درونی با تکیه بر توانمندی‌های بومی به جای چشم‌دوختن به بیگانگان، میدان دادن راستین به نخبگان در حکمرانی با این تأکید مهم که انحصارگرایی و مدرک‌گرایی ملاک نیست؛ بلکه نخبگان واقعی دانشگاه و حوزه(اعم از رشته‌های نظری و تجربی) می‌توانند در سطوح طرح‌ریزی، خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی کشور پاریرگی مسئولان باشند.

امیداست با اجرای این رهنمودهای راهبردی و به برکت خون شهدای عرصه نخبگی و دعای ولی‌عصر(عج)، خیزش علمی عمیق و شتابانی در کشور شکل گرفته و نخبگان عزیز با مجاهدت در مسیر تعاون بر تقوا و پیشرفت، به رسالت تاریخی خود در قبال جامعه اسلامی جامه عمل بپوشانند.